

همایش کاشی‌ساز و نقاش روی کاشی دوره قاجار استاد علی محمد اصفهانی

تهیه و تنظیم:
داود احمدی بلوطکی
محبوبه حاجی پروانه
حسین مهدلو

جلسه برگزار شد و در پی آن، و به عنوان یکی از دستاوردهای این همایش، دو جلد کتاب روانه بازار شد. دبیر علمی این همایش در ادامه از ساخت فیلم کوتاهی درباره این هنرمند خیرداد که از مجموعه آثارش تهیه شده است. برنامه ریزی برای برگزاری نمایشگاهی از آثار این هنرمند، دستاورد دیگر این همایش بود که مکی نژاد نوید آن را به مخاطبان هنرهای سنتی داد و گفت: این آثار ارزشمند برای اولین بار است که در معرض عموم قرار می‌گیرند.

او در انتهای مقدمه خود در باب برگزاری این همایش به معرفی اجمالی این هنرمند پرداخت و گفت: علی محمد اصفهانی هنرمندی شش‌دانگ است. علاوه بر اینکه معمار بوده است، به تمامی فنون نقاشی و تمامی سبک‌های آن آشنایی کامل داشته است. تکنیک نقاشی زیر لعاب، پس از زحمات این هنرمند، جان تازه گرفت و این هنر فراموش شده مجدداً احیا شد. زرین فام دوره قاجار نیز مبدیون استاد علی محمد اصفهانی است. او سرآمد همه هنرمندان هم عصر خود است و توانست نهضت نقاشی روی بوم و کاشی در اواخر دوره قاجار ایجاد کند. امیدواریم این چنین همایش‌هایی که هنرمند محورند، بتوانند منشأ پژوهش‌های بیشتر و بهتری برای حوزه فرهنگ و هنر ایران قرار بگیرند.

در ادامه محمد عیدی، رئیس سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری اصفهان، نیز با ارائه مطلبی در جمع سخنرانان این همایش حضور یافت و گفت: در زمینه اقتصاد و مدیریت شهری دو نگرش وجود دارد؛ نخست مدیریتی بر پایه توسعه اقتصادی صنایع سنگین، و دیگری نگرشی مبتنی بر مدیریت اقتصادی بر محور صنایع خلاق. صنایع خلاق هر گونه فعالیتی است که یک مؤلفه هنری قوی داشته باشد. این رویکرد شامل بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی حوزه‌های دانش بومی و میراث معنوی و فرهنگی است که در صنایع دستی، جشنواره‌ها، فعالیت‌های رسانه‌ای، هنرهای تجسمی

همایش «استاد علی محمد اصفهانی؛ کاشی‌ساز و نقاش روی کاشی در دوره قاجار» به همت معاونت علمی و پژوهشی فرهنگستان هنر و با همکاری شهرداری اصفهان، با هدف بازساخت و معرفی استاد علی محمد اصفهانی، یکی از چهره‌های برجسته هنر ایران، در سال گذشته برنامه‌ریزی و فراخوان آن منتشر شد. بنا به شرایط پیش آمده از شیوع ویروس کرونا، این همایش ملی به صورت مجازی برگزار شد و دستاوردهای آن شامل ارائه مقالات علمی در این حوزه، انتشار دو کتاب سیاه‌قلم و فن جمیل، فیلم کوتاه معرفی استاد علی محمد اصفهانی، و نمایشگاهی مجازی از تصاویر آثار این هنرمند، روی وب‌گاه فرهنگستان هنر بارگذاری شد.

استاد علی محمد اصفهانی، طراح، نقاش و کاشی‌ساز طراز اول اواخر دوره قاجار است که آثاری ارزشمند از او در موزه‌های داخل کشور و مجموعه‌های مشهور جهان باقی مانده و شخصیت هنری او هنوز به درستی معرفی نشده است.

در ابتدای سخنرانی‌های این همایش مهدی مکی نژاد، دبیر علمی این همایش، با مقدمه‌ای در خصوص برگزاری همایش و شخصیت استاد علی محمد اصفهانی توضیحاتی این چنین ارائه داد: دلیل برگزاری همایش استاد علی محمد اصفهانی این است که در عرصه پژوهش هنر ما به خود یادآور شویم که درباره هنرمندان مردمی و گمنام پژوهش‌های کمتری صورت گرفته است؛ در صورتی که اینها نقشی بسیار مهم در فرهنگ تصویری و به طور کل در فرهنگ و هنر دوره قاجار داشته‌اند. مکی نژاد با ذکر این مطلب که کمتر موزه‌ای در دنیا وجود دارد که حداقل چند اثر از استاد علی محمد اصفهانی را نداشته باشد، اهمیت جایگاه این هنرمند در جهان را مورد بحث قرار داد و گفت: متأسفانه در خصوص هنرمندان مردمی منابع چندانی در دست نداریم و همین، دلیلی موجه شد تا این همایش به صورت علمی برگزار شود. استادانی در این همایش شرکت کرده‌اند که خودشان از متخصصان این حوزه‌اند. چندین

و... نمودار می‌شود.

در این نوع نگرش هنرمندان شهر به این دلیل که مبدأ بروز و ظهور اندیشه‌ها و ایده‌های هنری‌اند، جایگاهی ویژه می‌یابند و طبقه خلاق را شکل می‌دهند. استاد علی محمد اصفهانی فرهنگ و هنر ایرانی را در زمان کم‌فروغی خلاقیت هنری زمانه خود در کشور ماندگار کرد و چراغ ارتباط میان فرهنگی را با چاپ رساله‌ای به زبان انگلیسی روشن نگاه داشت. این تعاملات فرهنگی در کنار توجه ویژه به صنایع خلاق، چند سالی است که از رویکردهای اصلی مدیریت شهری در اصفهان است تا بتواند از دریچه فرهنگ، مسیر ارتباطی را باز کند. به آن امید که شناخت بزرگانی همچون استاد علی محمد اصفهانی، در چنین همایش‌هایی میسر و از این طریق، راهیابی به فردایی بهتر آسان‌تر شود.

شناسایی اصناف در دوره‌های گذشته و به‌خصوص در دوره قاجار در حاله‌ای از ابهام است؛ یعنی ما اطلاعات بسیار مختصری در خصوص هنرمندان و اصنافی که، به اصطلاح، مردمی کار می‌کردند داریم. پدیده‌ای به نام استاد علی محمد اصفهانی در دوره قاجار ما را به این سمت و سوهدایت کرد تا وی را بهتر و بیشتر بشناسیم و خوشبختانه برای این منظور مستنداتی هم وجود دارد؛ از جمله این مستندات امضای استاد علی محمد اصفهانی است که پای آثارش گذاشته است. او با اشاره به مفضل بودن امضای آثار این هنرمند و با ارزش بودن این امر در شناخت ایشان ادامه داد: حُسن امضای کامل ایشان در این است که حتی نام سفارش‌دهنده و محل ساخت اثر را هم می‌توان دید. همین مستندات ما را به برگزاری این همایش علاقه‌مند کرد تا مردی را که در یکی دو سال قلب دارالخلافه را تسخیر کرد بهتر بشناسیم. استاد علی محمد اصفهانی به‌تنهایی توانست روند و جهت کاشی‌کاری و کاشی‌های تصویری دارالخلافه را عوض کند و از سبک و سیاق کاشی قاجاری شیرازی به سبک کاشی‌های اصفهان سوق دهد. دبیر علمی همایش به شگفتی دیگر استاد علی محمد اصفهانی، یعنی استفاده از بوم کاشی، اشاره کرد و گفت: این هنرمند چیره‌دست بوم کاشی را با ظرافت تمام همچون بوم نقاشی در صدر می‌نشاند و این حرکت همانند رنسانسی در کاشی‌کاری تصویری دوره قاجار شد. این پژوهشگر از پیوند ادبیات و هنر در کاشی‌های این هنرمند گفت و افزود: استاد علی محمد طیف وسیعی از نقاشی‌ها را با موضوعات مختلف و مضامین ادبی، از خمسه و شاهنامه و دیگر موضوعات، در کاشی‌های خود به کار برد؛ آثاری که او آفرید موجی ایجاد کرد که در کاشی‌کاری قاجار نمود یافت. این محقق با اشاره به این موضوع که استاد علی محمد به سبک خیال‌نگاری نیز مسلط بوده است، به سخنان خود پایان داد.



پیوند ادبیات و هنر در کاشی‌های استاد علی محمد اصفهانی
مهدی مکی‌نژاد در ادامه این همایش به ارائه مقاله خود درباره استاد علی محمد اصفهانی پرداخت و گفت: وضعیت

که کاشی‌های این سقاخانه هم به احتمال خیلی فراوان کار استاد علی محمد اصفهانی بوده است.

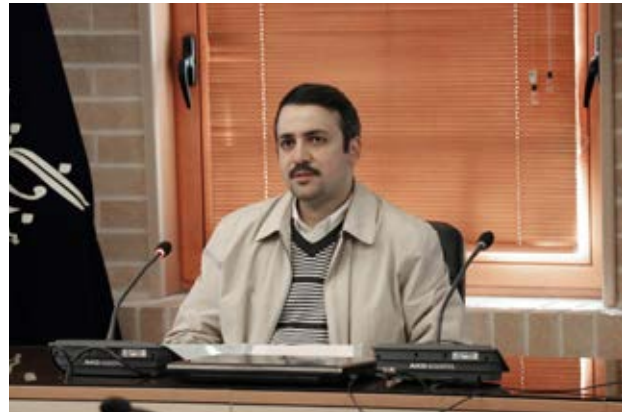
این مترجم حوزه هنر قاجار سخنان خود را این‌گونه به پایان رساند: استاد علی محمد اصفهانی از آنجا که معمارزاده بوده، با اصول ساختمان‌سازی و درک رابطه اجزای بنا و فضا هم آشنا بوده و از این نظرات همکاران دیگرش متمایز است. علی محمد با استفاده از حاشیه قاب‌سازی می‌کرده و داخل قاب را هم رنگ‌های متفاوتی می‌گذاشته است. یکی دیگر از مشخصات کاری استاد علی محمد استفاده از کتیبه‌های برجسته است که این کتیبه‌ها را در سقاخانه عزیزمحمد شاهدیم و کمتر استادی در دوره قاجار سراغ داریم که کتیبه را به صورت برجسته کار کند؛ زیرا این کار مستلزم مهارت و صرف وقت بسیاری بوده است. در محلی مثل مسجد بازار تهران این نوع کتیبه برجسته را نیز داریم که آنجا مشخصاً با رقم استاد مواجهیم و از این حیث اجرای کتیبه‌های سقاخانه عزیزمحمد کار استاد علی محمد اصفهانی بوده و این آثار به‌طور کلی قابل استناد به این استادند.



زرین‌فام‌های قاجار، حلقه مفقوده مطالعات سفالگری قاجار

عباس اکبری، استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان، نیز با مقاله «زرین‌فام‌های قاجار، حلقه مفقوده مطالعات سفالگری قاجار» در جمع سخنرانان حضور یافت و این‌گونه آغاز سخن کرد: کشف و فهم دوباره زیبایی‌شناسی قاجار حداکثر بیست سال پیش شروع شده و این اوایل‌نمایشگاهی در پاریس هم برایش برگزار شد. اما در کشور ما هنوز به دوره قاجار در رشته‌های مختلف هنری «دوره انحطاط» می‌گوییم؛ در حالی که امروزه متوجه شده‌ایم که عصر قاجار هویت خاص خود را دارد.

اکبری در ادامه سخنان خود به امضای علی محمد اصفهانی روی زرین‌فام‌ها اشاره کرد و گفت: اگر بخواهیم زرین‌فام‌های قاجار را رصد کنیم، باید مجموعه‌های خارج از ایران را



علی محمد اصفهانی و سقاخانه‌های دارالخلافه

در ادامه علیرضا بهارلو، دکترای هنر اسلامی، با مقاله «علی محمد اصفهانی و سقاخانه‌های دارالخلافه (کاشی‌نگاره‌های سقاخانه‌های عزیزمحمد و عباسعلی)» در جمع پژوهشگران حضور یافت. این پژوهشگر در ابتدای سخنان خود به تاریخچه و پیشینه سقاخانه‌ها در ایران پرداخت و گفت: سقاخانه‌ها در دوره قاجار در کنار اماکن دیگری مثل گرمابه، بازار، مسجد، تکیه و کاروان‌سرا جزء بناهای عمومی و عام‌المنفعه‌ای بودند که رشد کمی آنها را باید نتیجه حتمی و ناگزیر پدیده‌ای به اسم توسعه شهری دانست. پیشینه ساخت سقاخانه در ایران را ظاهراً باید با سنگ‌آب‌های تزئینی مرتبط بدانیم. این آثار حجم سنگی با پیاله‌هایی که از آنها آویخته می‌شد، در مساجد و مقابر تعبیه می‌شدند. به تدریج این بنا هویت خاص خود را در بین ابنیه شهری پیدا کرد و به این صورت سقاخانه‌های شهری پای گرفت.

این پژوهشگر در ادامه به مضامین و انواع سقاخانه‌ها اشاره کرد و درباره استفاده از کاشی در آرایه‌های سقاخانه‌ها گفت: سقاخانه‌های شهری هم مثل خیلی از بناهای عصر قاجار، علاوه بر وجه کاربردی، در استفاده از تزئینات هم شاخصه متمایزی داشتند. معماری و تزئین دو عنصری بودند که پایه پای هم پیش می‌رفتند. یکی از آرایه‌هایی که در سقاخانه‌ها به وفور به کار می‌رفت، کاشی و کاشی‌کاری بود که بخش جدانشدنی معماری و ساختمان‌سازی بوده است. کاشی‌های کتیبه‌دار، هم به صورت برجسته و هم تخت، گونه تزئینی مهمی بود که جزء لاینفک تزئینات این سقاخانه‌ها به شمار می‌رفت.

بهارلو در اثبات اینکه کاشی‌های سقاخانه عزیزمحمد، یکی از ابنیه مهم تاریخی، کار دست علی محمد اصفهانی است گفت: با توجه به همراهی مداوم استاد عبدالله تهرانی در کنار استاد علی محمد اصفهانی، در دیگر نمونه‌کارهایی که از آنها رقم داریم، می‌توان گفت مکمل بودن تولیدات این دو هنرمند در حوزه کتیبه‌نگاری و نقش و نگار می‌تواند دلیلی بر این باشد

جست و جو کنیم. ما رقم هایی که در دوره قاجار داریم سه عدد است که یکی از آنها برای علی محمد است و روی کاشی های زیرلعابی یکی از این آثار، امضای علی محمد ثبت شده است. او به اشتباهات موزه های داخلی و خارجی نیز اشاراتی کرد و گفت: درباره این دست از کاشی هایی که امروزه پیدا می شوند، موزه های مهم خبط و خطاهایی انجام می دهند؛ از موزه ملی ایران گرفته که کاشی دوره قاجار را به کاشی سده های میانه نسبت داده تا موزه بریتانیا که مجموعه ای دوازده تایی از کاشی عصر قاجار را به اسم کاشی های سده میانه نام گذاری کرده است.

این پژوهشگر و محقق کاشی های قاجاری را به سه دسته تقسیم کرد و گفت: سه دسته کاشی از قاجار وجود دارد؛ دسته اول واقعاً درباره سبک قاجار است؛ دسته دوم کاشی ها و ظروف جعلی است؛ دسته سوم آثاری اند که به اشتباه به دوران قاجار نسبت داده شده اند و در اصل مربوط به دوره صفویه اند. او سخنان خود را این گونه جمع بندی کرد: کمیّت اصلی زرین فام های قاجار اصلاً مشابه زیبایی شناسی قاجاری نیست، بلکه بیشتر تقلیدهایی است که از سده های میانه شده است و پرسش اینجاست که چرا کسی مثل علی محمد که محرایی را امضا کرده است و قطعاً کارهای به این حد فاخر دیگری نیز انجام داده، نه زیر اثرش در موزه رضا عباسی و نه در کارش در موزه حضرت معصومه، امضای اثر نکرده است؛ هر چند از دید فرم شناسی می توانیم بگوییم اینها کار یک نفر است، اما متأسفانه سند علمی نداریم.



تأثیر عکاسی بر تحولات تصویری کاشی کاری دوره قاجار

«تأثیر عکاسی بر تحولات تصویری کاشی کاری دوره قاجار؛ مطالعه موردی: سبک شناسی آثار علی محمد اصفهانی» عنوان مقاله کیانوش معتقدی، پژوهشگر هنرهای اسلامی، بود که در جمع پژوهشگران حضور یافت.

معتقدی سخنان خود را با توضیحی درباره کارهای علی محمد اصفهانی و هنر قاجار این گونه آغاز کرد: موضوع کارهای علی محمد، به عنوان یکی از کاشی کاران ممتاز، در ابعاد مختلف قابل بررسی است. بیشترین تصویرهای روایی در کاشی های ایران در زمان قاجار اتفاق افتاده است. به هنر قاجار باید نگاهی جدی تر بیندازیم. علی محمد اصفهانی در چند حوزه کارهای قابل بررسی دارد و به خاطر امضاها و رقم ها و آثاری که با سفارش های خارجی ها از او باقی مانده و رساله ای که نوشته، موضوع مطالعه خاصی است.

پژوهشگر هنرهای اسلامی به توضیح در باب تحول تصویرگری در دوره قاجار پرداخت و ادامه داد: ما با ظهور دو پدیده در دوره قاجار مواجهیم که تقریباً تحول تصویر ایران را رقم می زنند؛ یعنی پیش از آن ما در تصویرگری با مسیری سنتی مواجهیم و پس از ظهور این دو پدیده، یعنی چاپ سنگی و عکاسی، تمام هنرهای ما دستخوش تغییر جدی می شوند.

او همچنین درباره ورود هنر عکاسی به فضای کاشی کاری گفت: آنچه مهم است بحث ورود عکس به فضای کاشی کاری دوره قاجار است. ما با دوقطبی تصویرآرمانی و خیالی و تصویر واقعی روبه روییم. این را به هنرهای مختلف دوره قاجار، به خصوص هنر کاشی کاری، می توانیم تعمیم بدهیم. کار علی محمد محصول نهضتی جدید است که در اصفهان شکل می گیرد. این بحث نشان می دهد که ما چگونه می توانیم متوجه شویم که اصفهان مرکزی برای تولد ژانری جدید در کاشی های تصویری ایران است. کار علی محمد طیف هایی مختلف دارد. کلاً در این دوره غلبه و بیشترین درخواست را برای کاشی های هفت رنگ در تهران و ایران داریم، ولی آنچه مورد نظر ماست، تکنیک زیرلعابی است که کاشی های عکسی با آن تولید می شود.

او در ادامه گفت: مجموعه بزرگی از کاشی های عکسی داریم که نشان می دهد همان عکس هایی که از رویدادهای دوره قاجار گرفته می شده، دستمایه کار کاشی کار قرار می گرفته است. ما توانستیم از ناصرالدین شاه و دیگر رجال قاجار عکس هایی بیابیم که کاشی هایش وجود دارد و برای ما محرز شد که کاشی کاران از روی عکس ها کار کرده اند. تعداد کاشی های عکسی بسیار محدود است، ولی ما توانستیم فهرستی تهیه کنیم از کارهایی که یا امضای علی محمد دارد و یا براساس سبک کار می شود آنها را به علی محمد منسوب کرد. در این فهرست گستره ای زمانی را، از زمانی که علی محمد در اصفهان بوده تا آخرین کاشی تصویری ای که در مسجد نظام الدوله مافی تهران است و تاریخ ۱۳۱۰ قمری دارد، می بینید. از این دوره زمانی، یعنی چیزی حدود بیست سال (چون تاریخ دقیقی از مرگ علی محمد نداریم) از فعالیت علی محمد، ده کاشی

تصویری داریم که از روی عکس کار شده و اینها می‌تواند به ما نشان بدهد که چقدر این سبک کاشی‌های عکسی اقبال داشته و علی‌محمد اصفهانی چقدر کارهایی درجه یک تولید کرده است.



همکاری دو استاد طراز اول کاشی در دوره قاجار

هادی سیف، پژوهشگر هنرهای سنتی، مقاله «همکاری دو استاد طراز اول کاشی در دوره قاجار؛ استاد مصطفی و علی‌محمد اصفهانی» را در این سلسله نشست‌های مجازی ارائه کرد. او گفت: اصفهان و کاشی اصفهان جریانی نیست که به راحتی تغییرپذیر باشد. بازار کاشیگران و کاشی‌نگاران در سرای بازار قیصریه، خلافت استادان بزرگوار و غالباً گمنام در ساختار کاشی‌هایی مثل مسجد سلطانی و مسجد حکیم و شیخ لطف‌الله را نشان می‌دهد که وفاداری آنها به نقوش هندسی و نقوش آذینی پرقیمت، مثل ختایی و اسلیمی، به راحتی نمی‌توانست تحت تأثیر جریاناتی قرار بگیرد. میزان وفاداری آنها به نقوش سنتی و آرمان‌هایی که در طول قرن‌ها حفظ کرده بودند، انکارناشدنی است.

او در ادامه گفت: کاشی‌کاران آرام‌آرام وارد عرصه خلاقیتی می‌شوند که در قیاس با هنرهای آئینه‌کاری و گچ‌بری و دیگر هنرهای مطرح قرار می‌گیرند. شاید وارد کردن هنر نقاشی بر کاشی‌های هفت‌رنگ به عرصه هنرهای آذینی کار خیلی سختی بود. ما در این دوران با کسی آشنا می‌شویم به نام مصطفی. این مصطفی کاشیگر که در تالار «سلام» بخش عمده‌ای از مناظر شکار و شکارگاه‌ها دارد، کاشی امضا شده دارد و این نشان می‌دهد که مصطفی، براساس این تحقیقات، می‌تواند از خاندان استاد بهرام باشد. این کاشی‌ها نشانگر این است که مصطفی، به عنوان وارث، هم نقاش است و هم در عرصه کاشی صاحب یک ابتکار ویژه است.

او با اشاره به دانش، معلومات، شناخت و هنر علی‌محمد اصفهانی ادامه داد: به این نکته باید توجه کرد که علی‌محمد زمانی که به تهران می‌آید، طبیعتاً از گروه اصفهان جدا می‌شود و به حفظ و حراست و ادامه ادای دین خود در ساختار کاشی‌هایی با نقوش هندسی، اسلیمی و ختایی می‌پردازد. کارهای علی‌محمد در حقیقت در حد انحصار و تحسین کامل است؛ زیرا این استاد نقاش به شدت دارای معلومات و دانش است؛ دانشی پیرامون شناخت شاهنامه و گردآوری قصه‌ها و متل‌ها. او با این شناختی که دارد و امکانات بیشتری که در تهران عصر ناصری در اختیار دارد، کنار ادای دین در خلاقیت نقوش اسلیمی، ختایی، هندسی و حفظ مکتب اصفهان که جزء آرمان‌هایش است، گسترش و رواج بیشتر هنر کاشی‌کاری و کاشی‌نگاری را پی می‌گیرد.

هادی سیف سخنان خود را این‌گونه به پایان رساند: به نظر من، با توجه به خدمتی که علی‌محمد اصفهانی به کاشی هفت‌رنگ می‌کند، خلاقیتش در اندازه اطلاق نام «مکتب» است؛ این برای من بسیار ارزنده است که علی‌محمد اصفهانی، یک‌تنه توانست بار یک مکتب ماندگار را در کار کاشی، چه در اماکن مقدسه و چه در بناهای دیگر، بردوش بکشد و به عنوان «نقش منفرد» مطرح شود. اگر علی‌محمد اصفهانی نبود، اصفهان چندان نقشی و چندان ردپایی به این شکل ماندگار در عرصه کاشی‌های هفت‌رنگ نمی‌توانست داشته باشد. جا دارد که از علی‌محمد اصفهانی به عنوان پدیده‌ای در عصر ناصری یاد شود؛ چون کارهای علی‌محمد اصفهانی هیچ شباهتی با کارهای خیالی سازان عرصه کاشی هفت‌رنگ ندارد؛ پس او یک‌تنه می‌تواند مدعی جریانی جدید باشد.

تحلیل آفرینش هنری انتقادی استاد علی‌محمد اصفهانی در گفتمان مسلط به کاشی‌نگاری دوره قاجار

«تحلیل آفرینش هنری انتقادی استاد علی‌محمد اصفهانی در گفتمان مسلط به کاشی‌نگاری دوره قاجار» عنوان مقاله مشترک بهمن نامور مطلق و فاطمه مهرابی بود که آن را خانم مهرابی، به عنوان آخرین سخنران این همایش، ارائه کرد. فاطمه مهرابی گفت: بررسی دو مسئله در تصاویر گذشته بسیار حائز اهمیت است؛ تصویرتصویرگری در حالت عام، و تحولات تصویر در حالت خاص.

این پژوهشگر ادامه داد: ما وقتی در ورمان را نگاه می‌کنیم، به خصوص وقتی به گذشته فرهنگی مان می‌نگریم، دنیایی از تصاویر و ردپای حضور تصویرگران را در همه صنایع و همه دوره‌ها می‌بینیم. گاهی به تصاویری برمی‌خوریم که در یک

برهه زمانی بارها بازآفرینی شده‌اند و اینجاست که مقوله تحولات تصویری اهمیت پیدا می‌کند.

او به متن بنیان بودن سنت تصویرگری کشورمان اشاره کرد و مسئله دگرگونی متن را در ادامه بررسی کرد. مهرابی همچنین در توضیح پژوهش، دو تصویر مهم «آب تنی شیرین در چشمه سار» و «شیخ صنعان و دختر ترسا» را مورد هدف و مطالعه تحقیق معرفی کرد و افزود: تأثیرات دو عامل مؤلف و مخاطب در شکل‌گیری تحولات تصویری مهم است. گذشته ما پراز تصاویری است که امروزه با نام هنرمی شناسیم. اما با نگاهی سخت‌گیرانه به ندرت می‌توانیم همه آثار را استادانه تلقی کنیم. وقتی ما از استاد علی محمد اصفهانی حرف می‌زنیم، مسلماً مخاطبان آثارش هم، سفارش دهندگانی خواهند بود که در دوره قاجار زندگی می‌کرده‌اند. استاد علی محمد اصفهانی در صورت‌نگری صحنه «آب تنی شیرین در چشمه سار» تا چه حد به الگوهای غالب زمانه خود وفادار بوده است و تا چه حد تمایلات ذهنی خود را به ودیعه گذاشته است؟

مهرابی در ادامه به نحوه دسترسی به منابع پژوهش اشاره کرد و روش تحلیلی انتقادی را عنصر غالب پژوهش معرفی کرد و آبشخورهای اصلی این رویکرد را پارادایم‌شناسی و زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی دانست؛ موردی که اغلب برای زمینه کلامی است اما، می‌توان به صورت تطبیقی به متن تعمیمش داد. مهرابی به نمونه مطالعاتی اشاره مستقیم کرد و گفت: یک قطعه کاشی با موضوع «آب تنی شیرین در چشمه سار»، که کاشی پرتفرداری هم در دوره خودش بوده است، نمونه مطالعاتی‌ای است که استاد علی محمد اصفهانی این کاشی را در سال ۱۳۱۱ق طراحی و ساخته است.

او ادامه داد: با بررسی اصل متن در خمسه نظامی پی می‌بریم که اصفهانی در خلق این اثر تابع الگوی زمانه خودش بوده است، ولی رویه انتقادی و خلاقش باعث شده تا اثری پدید آورد که صدا و ردپای آن مشخص است. کارهای علی محمد سه تفاوت عمده با هم‌دوره‌هایش دارد؛ نحوه ترسیم، حالت فیگور و چهره، و رنگ‌آمیزی.

او با بررسی همه موارد بحث به این نتیجه رسید که علی محمد اصفهانی با کنار هم قراردادن متن‌های مختلف، اثری بینامتنی خلق کرده است که بخشی از آن وام‌دار الگوهای غربی دوره قاجار است و بخشی دیگر وام‌دار سبک شخصی و تمایلات او به هنر صفوی است.

*

در ادامه این همایش مهدی مکی نژاد گفت وگویی را با سعید خاک‌نگار مقدم، از خاندان کاشی‌کاران و کاشی‌سازان، انجام داد و با اشاره به سندی دست‌نویس، وی را به صحبت دعوت کرد.

سعید خاک‌نگار گفت: برداشت من از این سند این است که استاد محمدحسن و استاد حسین، یعنی پدر بزرگ بنده، پس از سال‌ها همکاری تصمیم گرفتند تا شراکتشان را از هم جدا کنند و احتمالاً به درخواست استاد محمدحسن بوده است. دوستی بین استاد محمدحسن و استاد علی محمد در امضاها‌ی ایشان مشهود است و حتماً حاج حسین هم رفت‌وآمدی با این دو هنرمند داشته و از مکتب ایشان فیض برده است؛ کمالینکه آثار به‌جامانده از حاج حسین نشان می‌دهد که ملهم از آثار استاد علی محمد و هنرمندان اصفهانی بوده است؛ هنرمندانی که کاشی‌کار بودند و در دوره قاجار به دلیل دوری مسافت به تهران می‌آمدند و در این شهر کار می‌کردند. در آن زمان هنراز پدر به پسر منتقل می‌شده است و استاد حسین از ۱۲ سالگی و پس از فوت پدر مجبور می‌شود که کار کند؛ اما اینکه شاگرد استاد محمدحسن بوده و یا استاد علی محمد، نمی‌دانیم. به هر حال ایشان هم این هنر را ادامه داده و کارهایی که از او به جای مانده است، به قول اهل فن، طراز اول است؛ کارهایی که از او آخر دوره قاجار تا پهلوی اول ادامه داشته است.

مکی نژاد در ادامه گفت وگواز خاک‌نگار پرسید به نظر شما، که خود اهل فن هستید، کارخانه استاد علی محمد اصفهانی و تشکیلات آن چگونه بوده است؟

خاک‌نگار در پاسخ گفت: کاشی‌سازان در آن زمان باید خودشان کاشی زیر کارشان را تهیه می‌کردند؛ یعنی کاشی را می‌پختند، لعاب می‌دادند و زمانی که آماده می‌شد، روی آن کار هفت‌رنگ را روی بوم خودشان انجام می‌دادند. بدین ترتیب گل باید تهیه می‌شد، لعاب سفید باید تهیه می‌شد و همه این امور به کارگر و محوطه‌هایی نیاز دارد که این امور در آنجا انجام شود. با این فرض، مسلم است که کارگرانی در کارخانه مشغول به کار بوده‌اند. نکته دیگری نیز حائز اهمیت است و آن اینکه خریدن کاشی آماده با لعاب سفید برای کارکردن هفت‌رنگ ممکن نبود؛ یعنی اینکه یک کاشی پز بیاید و از یکی دیگر کاشی آماده بخرد کسر شأن محسوب می‌شد و همین عامل احتمال وجود کارگرانی برای این امر در کارخانه را تقویت می‌کند. ضمن اینکه این انجام این امور به دست یک نفر به تنهایی ممکن نبوده است و نه زمان این اجازه را به او می‌داده و نه توان.

در انتها سعید خاک‌نگار با بیان خاطراتی از پدر بزرگش، استاد حسین، گفت وگورا به پایان برد.

همایش «استاد علی محمد اصفهانی؛ کاشی‌ساز و نقاش روی کاشی در دوره قاجار» بهمن ۱۳۹۹ به صورت مجازی در فرهنگستان هنر برگزار شد.